



گزارش

دوست دوست

■ ملیحه فرقانی

معلم پایه چهارم دبستان پسرانه ناحیه ۱

ملیحه
فرقانی اله آباد
بامدرک
کارشناسی
کامپیوتر از
دانشگاه
یزد و مدرک



کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، از سال ۱۳۹۳، مشغول فعالیت در حوزه آموزش شده است؛ سه سال در پایه دوم و هشت سال در پایه چهارم ابتدایی. وی از مهر ماه سال ۱۴۰۲ در مجتمع آموزشی جواد الائمه (ع) در پایه چهارم تدریس می‌کند. تدریس ریاضی در آموزشگاه‌های مختلف و فعالیت در مرکز مشاوره امام حسین (ع) در کنار دانش‌آموزانی که دارای اختلالات یادگیری بودند، از دیگر فعالیت‌های ایشان است.

مراسمی واقعی هستیم...»، «فهمیدم چرا بزرگ‌ترها این کار را انجام می‌دهند.» «دوست دارم سال بعد هم اجرا کنیم.» نکته قابل تأمل برای من این بود که در روزهای بعد، چند نفر از دانش‌آموزان درباره آیین‌های دیگر یزد سؤال پرسیدند و حتی پیشنهاد دادند آیین‌های خانوادگی‌شان را در کلاس معرفی کنند. این نشان می‌داد تجربه به کنجکاوای فرهنگی منجر شده است. از نظر تربیتی، این فعالیت توانست به صورت متوازن سه بعد شناختی (آشنایی با پیشینه آیین)، گرایشی (تقویت احساس تعلق و احترام) و مهارتی (مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اجرای جمعی) را درگیر کند.

با اجرای این مراسم، همچنین پیوندی میان هویت دینی معنوی و هویت بومی دانش‌آموزان برقرار شد. این تجربه به من آموخت که سنت‌های محلی، اگر از قالب روایت خارج و به میدان تجربه وارد شوند، می‌توانند به ابزار تربیتی عمیقی تبدیل شوند. □

رانه فقط توضیح دهم، بلکه آن را در مدرسه هم بازآفرینی کنم. در روز اجرا، دانش‌آموزان کلاس ما به عنوان گروه اجراکننده به کلاس روبه‌رو رفتند. از همان لحظه ورود، تغییر حال و هوای بچه‌ها برایم قابل توجه بود؛ اضطراب همراه با شوق در چهره‌شان دیده می‌شد.

هنگام اجرای مراسم، آن‌ها تلاش می‌کردند دقیق و با احترام رفتار کنند. حتی دانش‌آموزی که معمولاً کم حرف بود، داوطلب شد بخشی از توضیح مراسم را ارائه دهد. در ساعت بعد، نقش‌ها جابه‌جا و کلاس مقابل مهمان ما شد. این جابه‌جایی نقش، نقطه عطف تجربه بود. مشاهده کردم دانش‌آموزانم با دقت بیشتری به مفهوم میزبانی توجه می‌کنند؛ صندلی‌ها را مرتب کردند، با احترام خوشامد گفتند و تلاش کردند فضایی صمیمی ایجاد کنند. بدون آنکه مستقیماً درباره «احترام متقابل» تدریس کنم، این مفهوم در عمل شکل گرفت.

پس از پایان فعالیت، در گفت‌وگوی کلاسی از آنان خواستم احساساتشان را بیان کنند. برخی گفتند: «حس کردیم واقعاً توی

جشنواره «الف تا» فرصتی است برای روایت تجربه‌هایی که در دل کلاس شکل گرفته و اثری ماندگار بر دانش‌آموزان گذاشته است. آنچه در اینجا روایت می‌کنم، تجربه‌ای است که از دل دغدغه‌ای فرهنگی آغاز شد. مدتی بود متوجه شده بودم وقتی از آیین‌های بومی یزد صحبت می‌کنم، بسیاری از دانش‌آموزان شناخت دقیقی از آن‌ها ندارند. برخی حتی نام «دوست دوست» را نشنیده بودند.

این مسئله برایم نگران‌کننده بود؛ زیرا احساس می‌کردم پیوند نسل جدید با ریشه‌های فرهنگی شهرشان در حال کم‌رنگ شدن است. پرسش اصلی من این بود: «چگونه می‌توان سنتی بومی را از سطح دانسته به سطح تجربه زیسته رساند؟» بر همین اساس، تصمیم گرفتم آیین «دوست دوست»